

اصلاح الگوی مصرف از منظر امام خمینی

□ رمضان اکبری مالستانی

مقدمه

انسان برای ادامه زندگی خود به آب، هوا، انرژی، خوراک، پوشاک، مسکن، وسایل حمل و نقل، ابزار و لوازم گوناگون نیاز دارد که خداوند حکیم همه را بقدر لازم در طبیعت قرار داده و جهان طبیعت را برای آسایش و کمال بشر آفریده است. اما این امکانات نامحدود نیست که هر چه بخواهیم بدون حساب و کتاب در آن تصرف نماییم و نعمت‌ها و مواهب الهی را ضایع کنیم. استفاده انسان از نعمت‌های الهی باید در حد معقول و منطقی بوده، از زیاده‌روی و تجاوز خود داری شود، تا انسان‌های دیگر در سایر مناطق جهان و نسل‌های آینده در تنگنا قرار نگیرند و از نعمت‌های خداوند محروم نگردند.

مکتب حیات بخش اسلام از یک سو بهره‌برداری معقول و مشروع از مواهب و نعمت‌های الهی را اجازه داده، از سوی دیگر هرگونه زیاده‌روی در مصرف و هدر دادن نعمت‌ها را به شدت منع نموده و انسان‌ها را از اسراف و تبذیر برحذر داشته و اسراف‌گران را به شدیدترین لحن نکوهش نموده است. در آموزه‌های دینی راهکارهای درست مصرف تحت عنوان اعتدال و میانه‌روی ارائه شده که برای اصلاح الگوی مصرف در زمینه‌های مختلف نقش سازنده و اساسی دارد.



از این رو پژوهش پیرامون اصلاح الگوی مصرف از نگاه امام خمینی بر محور قرآن و روایات ضرورت علمی و عملی دارد، تا از یک سو به هنجارها و تعالیم دینی و اندیشه‌های امام خمینی در این عرصه معرفت حاصل شود، از سوی دیگر راهکاری باشد برای جلوگیری از اسراف و تبذیرهای فراوان که در سطوح مختلف جامعه جریان دارد، در حالی که بخش وسیع مردم به نان شب خود درمانده اند. اگر به جای این همه اسراف و تبذیرها به محرومان و فقراي جامعه اسلامی رسیدگی شود، آنان هم به زندگی آبرومندانه خواهند رسید.

در این نوشتار ابتدا واژه‌های مرتبط با الگوی مصرف مفهوم شناسی می‌گردد و در بخش دوم نكوهش اسراف و تبذیر در قرآن و روایات و آثار امام خمینی به بحث گرفته می‌شود. در بخش سوم معیار الگوی مصرف در قرآن و روایات و نظر امام خمینی بررسی می‌شود و در بخش چهارم پیامدهای رعایت الگوی مصرف در متون دینی و کلام امام خمینی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱- مفاهیم و کلیات

در متون تعالیم دینی از مصرف غیر منطقی و بی‌رویه به اسراف و تبذیر تعبیر شده و از سختگیری به بخل و تقتیر یاد شده و از مصرف منطقی و درست که حد وسط اسراف و اقتار است به عنوان قوام و اعتدال مورد بحث قرار گرفته است. برای هموار شدن زمینه بحث ابتدا باید به این مفاهیم پرداخته شود که مراد از اسراف و تبذیر، تقتیر، اعتدال و قوام چیست؟

اسراف: واژه اسراف و مشتقات آن حدود ۲۳ بار در قرآن به کار رفته. اسراف در لغت به معنای تجاوز از حد، خطا و هرنوع مصرف که از حد اعتدال خارج باشد آمده است. (فیومی، مصباح المصیر) اسراف معنای گسترده دارد که هرگونه تجاوز از حد را در کاری که انسان انجام می‌دهد، دربر می‌گیرد. ولی به صورت غالب در مورد هزینه‌ها و خرجه‌ها گفته می‌شود (مفردات راغب). در لسان العرب آمده «اسراف مجاوزة القصد اما السرف الذی نهی الله عنه فهو ما انفق فی غیر طاعة الله قليلا کان او كثيرا. قال سفیان، لم یسرفوا ای لم یضعوه فی غیر موضعه». از نگاه قرآن اسراف نقطه مقابل سخت‌گیری آمده که حد وسط آن دو، اعتدال است. «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان

بین ذلک قواما» (۶۷ فرقان) کسانی که به هنگام انفاق نه اسراف می کنند و نه سخت گیری و بخل می ورزند، بلکه در میان این دو، حد اعتدال و میانه را می گیرند. (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۹۷)

تبذیر: واژه تبذیر و مشتقات آن از لحاظ معنا ارتباط نزدیک با اسراف دارد و سه بار در آیات (۲۶ و ۲۷) سوره اسراء آمده است. در لغت به معنای افساد و تباه ساختن اموال است که در اصل به معنای دور ریختن یا پاشیدن بذر در مکان نامساعد و به روشی نادرست بوده و برای هر نوع پاشیدگی و بی نظمی که به ضایع شدن چیزی منجر شود به استعاره گرفته شده (لسان العرب). معادل فارسی آن ریخت و پاش است. تبذیر آن است که مال در غیر موردش مصرف شود هر چند کم باشد و اگر در موردش صرف شود تبذیر نیست هر چند زیاد باشد. چنانچه از امام صادق (ع) نقل شده «من انفق شیئا فی غیر طاعت الله فهو مبذر و من انفق فی سبیل الله فهو مقتصد». (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۶)

اسراف و تبذیر با وجود ارتباط نزدیک باهم، تفاوت هایی نیز دارند. اسراف مفهوم فراگیر داشته شامل هر نوع تجاوز، خارج شدن از حد اعتدال، خطا، انحراف (اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و...) می شود بدون آنکه چیزی را ضایع کرده باشد؛ اما تبذیر بیشتر در امور مالی و اقتصادی و به ندرت در موارد دیگر به کار می رود. اسراف گاهی بر زیاده روی در اعمال مباح نیز اطلاق می شود مانند زیاده روی در خوردن که اصل آن تا حد نیاز جایز است و گاه در خصوص مصارف نابجا و ناشایست اگر چه اندک باشد، بنا بر این مصادیق آن را می توان از دو نوع کمی و کیفی دانست. اما تبذیر و ریخت و پاش، بیشتر به صورت کیفی و در خصوص مصارف ناشایست کاربرد دارد که به تضييع و اتلاف منجر شود. ولی گاهی این دو در یک معنا و حتی به صورت تاکید پشت سرهم می آیند. چنانچه در نهج البلاغه آمده «الا ان اعطاء المال فی غیر حقه اسراف و تبذیر» مصرف کردن مال در غیر مورد استحقاق تبذیر و اسراف است.

تقتیر: تقتیر از نظر لغت به معنای سخت گرفتن و تنگ گرفتن در انفاق و بخل ورزیدن در مصرف مال است. فیروز آبادی در قاموس می نویسد: اقتیر بمعنی ضیق فی النفقه (قاموس، ج ۲، ص ۱۱۳ و لسان العرب، ج ۵، ص ۷۰)



□ مکتب حیات بخش اسلام از یک سو بهره برداری معقول و مشروع از مواهب و نعمت‌های الهی را اجازه داده، از سوی دیگر هر گونه زیاده‌روی در مصرف و هدر دادن نعمت‌ها را به شدت منع نموده است

تقدیر: تقدیر نیز از واژگانی است که در اصلاح الگوی مصرف کاربرد دارد. تقدیر و قدر به معنای اندازه گرفتن و تدبیر امور آمده. در قاموس نوشته: تقدیر؛ تدبیر امور و قیاس الشی بالشی والوسط من الرحال و السروج. امام علی(ع) در تمجید خداوند فرموده: «المقدر لجميع الامور بلا رویه و لاضمیر». خداوند همه چیز را به اندازه آفرید بدون فکر و اندیشه. (نهج البلاغه، خطبه ۶۵)

قوام: قوام بروزن عوام در لغت به معنای عدالت، استقامت و حد وسط بین دو چیز است. (قاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۱۴ و تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۵۲) بدین لحاظ در آیه ۶۷ فرقان آمده: «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا لم یقتروا و کان بین ذلک قواما» از صفات عباد الرحمن این است که هرگاه انفاق کنند نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه بین این دو، حد وسط و اعتدال را رعایت می‌کنند. نتیجه اینکه اسراف همان مصرف بی‌جا، بیش از حد و تجاوز از حد متعارف است. اقتار به معنای سخت‌گیری و کمتر از حق و مقدار لازم است. تپذیر به معنای ریخت و پاش و ضایع کردن نعمت‌ها و مواهب الهی است. قوام به معنای میانه روی و بروفق قانون آفرینش و تشریح است. اسراف، تپذیر و تقتیر از نگاه قرآن و حدیث مذموم و ناهنجاراند. قوام که همان میانه روی و مصرف در حد متعارف باشد، معیار الگوی مصرف معقول و مشروع است.

۲- نکوهش اسراف، تپذیر و تجمل‌گرایی

شریعت پاینده و پویای اسلام که با قانون آفرینش هماهنگ است برای ادامه حیات و سعادت

مادی و معنوی بشر آموزه‌ها و دستورات روشن دارد که اگر به این آموزه‌ها توجه شود مشکلات فردی و اجتماعی جوامع بشری کاهش یافته، راه صلح و صفا، سعادت و آرامش هموار می‌گردد. بدون شک امروزه بسیاری از گرفتاریها و رنجهای مردم جهان ناشی از کنار گذاشتن آموزه‌های دینی و اسیر شدن در دام شهوت، خود خواهی، تجمل گرایی و دنیاپرستی است، که یک عده از پرخوری و مصرف گرایی به امراض گوناگون مبتلا اند، بخش وسیع مردم از فقر و محرومیت رنج می‌برند.

اسلام برای پیشگیری از انواع بیماری‌ها، محرومیت و فقر عمومی ۱۴ قرن پیش، معیار متعادل استفاده از نعمت‌های الهی را بیان کرده و هرگونه زیاده‌روی و ضایع ساختن این مواهب را به شدت نکوهش نموده است. تعالیم اسلامی روی مصرف متعادل به اندازه‌ای تأکید دارد که در مورد انفاق و بخشش به مستمندان نیز از زیاده روی منع کرده، در حد متعارف مجاز دانسته است. آیات و روایاتی که در نکوهش اسراف و تبذیر وارد شده زیاد است که به چند مورد اشاره می‌شود.

الف- نکوهش اسراف و تبذیر در قرآن

خداوند درباره عبادالرحمن می‌فرماید که آنها در بندل و بخشش اسراف و سخت گیری نمی‌کنند و حد اعتدال را رعایت می‌کنند «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا و کان بین ذلک قواما». (فرقان/ ۶۷) انفاق به معنای بذل مال و صرف آن در حوایج خود و یا دیگران است و اسراف به معنای بیرون شدن از حد اعتدال به طرف زیاده‌روی و در خصوص انفاق، زیاده‌روی و تجاوز از حدی است که رعایت آن حد سزاوار و پسندیده است، در مقابل قتر به فتح قاف به معنای کمتر انفاق کردن است. کلمه قوام به معنای حد وسط و معتدل است. یعنی بندگان رحمان انفاق می‌کنند و انفاق شان همواره در حد وسط و میان اسراف و اقتار است. صدر آیه دو طرف افراط و تفریط در انفاق را نفی کرده و ذیل آن حد وسط را اثبات نموده است. (تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۳۲) در آیه ۱۴۱ انعام فرموده: «وآتوا حقه یوم حصاده و لاتسرفوا انه لایحب المسرفین» هنگام بهره برداری از

محصولات، حقوقی را که باید به نیازمندان بدهید پردازید و زیاده روی نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.

در آیه دیگر مسرفین از اصحاب جهنم شمرده شده اند «وان المسرفین هم اصحاب النار» (غافر/۴۳) اسراف کنندگان یاران دوزخ اند. از نظر قرآن اسراف یک روش فرعون‌نی است «وان فرعون لعال فی الارض و انه لمن المسرفین» (یونس/۸۳) به راستی که فرعون در زمین برتری جویی می‌کرد و از اسرافکاران بود. و در آیه ۳۱ دخان می‌گوید: «انه کان عالیا من المسرفین» او برتری جو و مستکبر و اسرافگر بود. روشن است که فرعون در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی از حد مشروع و معقول تجاوز می‌نمود و بی‌نهایت ظلم و ستم روا می‌داشت. بنابراین در فرهنگ قرآن هرگونه ظلم و ستم بر مردم از سوی زمام‌داران یک نوع اسراف و زیاده روی بوده و خاصیت فرعون‌نی است.

گاهی اسراف در مسایل ساده مانند خوردن و آشامیدن مورد نکوهش قرار گرفته «یابنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا واشربوا و لاتسرفوا انه لایحب المسرفین» (اعراف/۳۱) ای فرزندان آدم زینت خود را هنگام رفتن مسجد با خود بردارید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد. گاهی انتقام‌گیری و قصاص بیش از حد به اسراف تعبیر شده «ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا» (اسراء/۳۳) و هر کس که مظلومانه کشته شده، پس برای سرپرستش تسلطی (برقصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل زیاده روی نکنید، چرا که او یاری شده خدا است. گاهی در مورد داوری و قضاوت که منجر به کذب و دروغ شود به کار رفته «ان الله لایهدی من هومسرف کذاب» (غافر/۲۸) خداوند هدایت نمی‌کند کسی را که اسرافکار و دروغگو است. گاهی در مورد اعتقادات نادرست که منتهی به شک و تردید شود اسراف به کار رفته «... کذلک یضل الله من هو مسرف مرتاب» (غافر/۳۴) این گونه خداوند اسرافکار دروغگو را گمراه می‌کند.

در آیه دیگر اسراف به معنای هرگونه گناه آمده «قل یا عباد الذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمه الله...» (زمر/۵۳) به آن بندگان من که برنفس خود در اثر ارتکاب گناه اسراف

نموده‌اند بگو که از رحمت خدا نا امید نشوند. در آیه ۱۴۱ انعام پس از بیان نعمت‌های فراوان و اجازه خوردن از آنها بقدر نیاز از اسراف منع نموده است «...ولاتسرفوا انه لایحب المسرفین» اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد. در کل بدست می‌آید که اسرافکاران در زمره دشمنان خدا قرار دارند.

از نگاه قرآن اسراف با فساد رابطه تنگاتنگ دارد و یک نوع بی‌نظمی در نظام هماهنگ هستی است که با نظم خاص جریان دارد. در آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ شعرا خطر عظیم پیروی از مسرفین بیان شده «لاتطیعوا امر المسرفین - الذین یفسدون فی الارض و لایصلحون» از فرمان مسرفان اطاعت نکنید. همانها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند.

منظور از اطاعت مسرفان، تقلید و پیروی کورکورانه از ایشان، در اعمال و روش زندگی است و مراد از مسرفین اشراف و بزرگانی هستند که دیگران آنان را پیروی می‌کنند. اما مسرفین چه کسانی هستند؟ در آیه بعد معرفی شده که مسرفین از مرز حق تجاوز نموده، از حد اعتدال بیرون شده‌اند، در زمین فساد می‌کنند و اصلاح‌گر نیستند. (المیزان، ج ۱۰، ص ۱۶۶) از این رو در آیات متعدد تصریح شده که از روش مسرفین پیروی نکنید.

قرآن همانگونه که اسراف را نکوهش نموده تبتذیر را نیز مذموم دانسته است. تبتذیر ریخت و پاش و ضایع کردن نعمت‌ها و مواهب الهی در طبیعت است از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، وسایل حمل و نقل و... خداوند مبذرین را برادران شیطان خطاب نموده «و آت ذالقربی حقه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذیر تبذیرا - ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین و کان الشیطان لربه کفورا (اسراء/ ۲۶ و ۲۷) این آیه در باره انفاق به ذوی القربی و مساکین و فقراء نازل شده ولی با وجود لزوم بذل و بخشش به مستحقین، از تبتذیر نهی شده که انسان مال خود را برای خویشاوندان، فقراء و مساکین بیش از حد منطقی و معقول انفاق نکند که اسراف و تبتذیر است. این مورد خصوصیت ندارد، بلکه تبتذیر در تمام امور ممنوع بوده و برادری با شیاطین است یعنی تبتذیرکنندگان شیطان است و شیطان کفران نعمت‌های پروردگار را کرد، اینها نیز مانند شیطان کفران نعمت‌های خدا را می‌کنند و در غیر مورد نیاز، مصرف می‌کنند.



□ تعالیم اسلامی روی مصرف متعادل به اندازه‌ای تأکید دارد که در مورد انفاق و بخشش به مستمندان نیز از زیاده روی منع کرده و در حد متعارف مجاز دانسته است

□ در فرهنگ قرآن هرگونه ظلم و ستم بر مردم از سوی زمامداران یک نوع اسراف و زیاده روی بوده، خاصیتی فرعون‌ی محسوب می شود

در ادامه همین آیات از افراط و تفریط در انفاق نهی نموده و از عواقب ناگوار آن هشدار داده است «ولا تجعل يدك مغلولة الي عنقك ولا تبسطها كل البسط فتعبد ملوما محسورا». (اسراء/ ۲۹) ازاینکه رعایت اعتدال در همه چیز حتی در انفاق و کمک به دیگران شرط است، در این آیه روی اعتدال تأکید کرده که دست خود را برگردن خویش بسته قرار مده یعنی مانند بخیلان در کمک به دیگران دست بسته مباش و از سوی دیگر دست خود را فوق‌العاده گشاده مدار و بذل و بخشش بی حساب مکن که از کار بمانی و مورد ملامت این و آن قرار گیری و از مردم جدا شوی. منظور از محسود در این جا شخص خسته و وا مانده است که از رسیدن به مقصد عاجز است. (نمونه، ج ۱۲، ص ۹۱)

از آیات قرآن بدست می آید که زیاده روی و تجاوز از حد شرعی و عرفی در مصرف کردن نعمت‌های الهی ممنوع است و انسان مؤمن باید از اسراف اجتناب نموده در تمام امور حتی انفاق برای مستمندان حد اعتدال و متعارف را در پیش گیرد و کاری نکند که منجر به اسراف و تبذیر شود، زیرا اسراف سرچشمه فساد و بدی‌ها است.

ب - تکوهش اسراف و تبذیر در روایات

در روایات معصومین - علیهم‌السلام - به اجتناب از اسراف و تبذیر در خوراک، پوشاک،

منزل، وسیله حمل و نقل، آب وضو و غسل، انفاق کردن به مستمندان، امور بیت المال اشاره شده و روش اعتدال در مصرف مورد تأکید قرار گرفته و زیاده روی به شدت نکوهش شده است.

امام علی(ع) در نهج البلاغه فرموده: «الا ان اعطاء المال فی غیر حقه تبذیر و اسراف و یرفع صاحبه فی الدنيا و یضعه فی الآخرة و یکرمه فی الناس و یهینه عندالله» آگاه باشید مال را در غیر مورد استحقاق صرف کردن، تبذیر و اسراف است، ممکن است این عمل انسان را در دنیا بلند مرتبه کند اما در آخرت پست و حقیر خواهد کرد. در نظر توده مردم ممکن است سبب اکرام گردد، اما در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام انسان خواهد شد.

امام صادق(ع) ذیل آیه ۲۷ سوره اسراء فرموده: «من انفق شیئا فی غیر طاعت الله فهو مبذر و من انفق فی سبیل الله فهو مقتصد» کسیکه در غیر راه خدا انفاق کند تبذیرکننده است و کسیکه در راه خدا انفاق کند میانه رو است». (تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۸۳)

رسول اکرم(ص) روزی از کنار سعد که یکی از اصحاب بود، گذشت درحالی که وضو می گرفت و آب زیاد می ریخت، حضرت فرمود: ای سعد! این همه اسراف برای چیست؟ سعد گفت آیا در وضو هم اسراف می شود؟ فرمود: بله؛ حتی اگر در لب نهر جاری باشی. (همان)

از امام صادق(ع) سؤال شد: آیا در کار حلال نیز اسراف ممکن است؟ فرمود: بله. (همان)

امام صادق(ع) روزی خرما طلب نمود و یکی از حاضران در مجلس خرما می خورد و هسته اش را بیرون می انداخت. امام او را منع کرده فرمود: این عمل مصداق تبذیر است و خداوند عمل ناپسند را دوست ندارد. (همان)

در این روایت اسراف و تبذیر به یک معنا آمده و به میانه روی و اعتدال تأکید شده است. از سوی دیگر به مورد خاص تعلق ندارد، می توان از آن معنای وسیع را فهمید که اسراف و تبذیر در تمام عرصه های زندگی مذموم و ناپسند است.

از زیاده روی در محبت و ولایت نیز نهی شده زیرا ممکن است به غلو منجر شود. امام صادق(ع) فرموده: در محبت و ولایت علی(ع) زیاده روی نکنید. (تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۸۳)

امام علی(ع) «ویح المسرف ما ابعده عن صلاح نفسه و استدراک امره». بیچاره اسرافکار؛ چه



دور است از اصلاح نفس و جبران کردن کار خود. (میزان الحکمه، ج ۵) در حدیث دیگر فرموده: «من كان له مال فإياه والفساد، فان اعطاءك المال في غير وجهه تبذير و اسراف». هر که ثروتی دارد مبادا آن را تباه کند، زیرا صرف کردن بی مورد آن، ریخت و پاش و اسراف است. (همان)

آن حضرت در نامه‌ای به زیاد فرموده است: «دع الاسراف مقتصدا، واذكر في اليوم غدا، وامسك من المال بقدر ضرورتك، و قدم الفضل ليوم حاجتك». (نهج البلاغه، نامه ۲۱) اسراف را رها کن و میانه روی را در پیش گیر و امروز به یاد فردا باش و از مال به اندازه ضرورتت نگه دار و اضافی را برای روز نیازمندیت (قیامت) پیش فرست. در جای دیگر راجع به عواقب اسراف فرموده: «السرف مثواه و القصد مثراه» اسراف موجب هلاکت و میانه روی مایه زیاد شدن ثروت است. (میزان الحکمه، ج ۵)

امام علی (ع) اسراف را سبب نابودی مال می‌داند: «الاسراف يفنى الجزيل» اسراف ثروت زیاد را به باد فنا می‌دهد. (غرر الحکم) از دیدگاه امام علی (ع) اسراف زشت‌ترین بخشش است. «اقبح البذل السرف». (نهج البلاغه، خ ۱۹۴)

امام سجاده (ع) در دعای خویش فرموده است: «وامنعني من السرف و حصن رزقي من التلف و وفر ملكتي بالبركه فيه و اصب بي سبيل الهدايه للبرفيما انفق منه». (میزان الحکمه، ج ۵) پروردگارا مرا از زیاده روی باز دار و روزیم را از تلف شدن نگاهدار و داراییم را با برکت دادن به آن افزون گردان و راه مصرف آن را در کارهای خیر به من بنمایان.

امام علی (ع) فرموده: «كل ما زاد علي الاقتصاد اسراف» هر چه بیش از حد میانه روی باشد اسراف است. و نیز فرموده: «ما فوق الكفاف اسراف» بیش از اندازه کفایت اسراف است. یا اینکه: «من لم يحسن الاقتصاد اهلكه السرف» هر کس به خوبی میانه روی نکند، اسراف او را هلاک خواهد کرد. و از پیامدهای اسراف است که فرموده: «كثره السرف يدمر» اسراف زیاد ویران‌گر است. (غرر الحکم)

امام حسن عسکری (ع) در باره اندازه داشتن در سخاوت فرموده: «ان للسخاء مقدارا فان زاد عليه فهو مسرف» سخاوت اندازه دارد اگر از آن تجاوز شود اسراف است. (میزان الحکمه)

امام علی(ع) در مذمت تبذیر فرموده: «کن سمحا ولا تکن مبذرا و کن مقدرا و لا تکن مقترا» دست و دل باز باش، نه ولخرج، و میانه رو باش، نه خسیس. (حکمت ۳۳) در جای دیگر تبذیر را به جهالت تعبیر نموده: «هیچ جهالتی همچون بیهوده خرج کردن نیست. (غرالحکم)

حضرت لقمان نیز به فرزندش نصیحت نموده: «یا بنی اذا امتلئت المعده نامت الفکر و خرسث الحکمه و قعدت الاعضاء عن العباده» ای فرزندم؛ زمانی که معده پر گردید، دیده فکر و هوش به خواب می‌رود، زبان حکمت لال می‌گردد و اعضا و جوارح از بندگی باز می‌ماند. (محجج البیضاء، ج ۵، ص ۱۵۱)

حضرت امیر(ع) در باب زیاده روی در خوردن فرموده: «قله الاکل من العفاف و کثرته من الاسراف» کم خوری عفاف است و پر خوری اسراف. (غرالحکم) در حدیث دیگر فرموده: «ما من شیء ابغض الی الله عز و جل من بطن مملو» هیچ چیزی بیش از شکم پر مورد خشم خدای بزرگ نیست. (اصول کافی، ج ۶، ص ۲۷۰) چنین روایاتی همه در نکوهش و مذمت اسراف و تبذیر وارد شده که در مجموع اسراف و تبذیر از نظر روایات نا مطلوب و برخلاف عقل و شرع بوده و مانع رشد و شکوفایی معنوی می‌باشد.

ج - نکوهش اسراف و تبذیر در کلام امام خمینی

امام خمینی که مجتهد فرهیخته، روشن ضمیر، دردمند و آشنا به مسایل روز بود، در ارتباط با اصلاح الگوی مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر رهنمودهای روشن دارد و در مناسبت‌های مختلف همگان را به ساده زیستی و اعتدال در مصرف شخصی و عمومی سفارش نموده است. توصیه به ساده‌زیستی و نکوهش اسراف و تجمل‌گرایی و زیاده‌روی، در کلام ایشان زیاد به چشم می‌خورد که به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

ایشان اسراف و تبذیر را در معنای وسیع به کار برده، از اسراف استعدادهای خدا دادی و علم و دانش منع نموده است: «استعداد ذاتی که خدا به انسان می‌دهد نباید بی‌موقع و بیهوده مصرف نمود و یا علمی که انسان آنها را تحصیل می‌نماید، نباید به هدر دهد» (امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج ۳،



□ قرآن همانگونه که اسراف را نکوهش نموده تَبذیر را نیز مذموم دانسته است. تَبذیر ریخت و پاش و ضایع کردن نعمت‌ها و مواهب الهی در طبیعت است از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، وسایل حمل و نقل و...

ص ۴۴۴) در امور اداری و دولتی، تجمل پرستی و اسراف را به شدت نکوهش نموده می‌فرماید: «باید تمام ادارات از نخست وزیری تا کوچکترین اداره از تجمل پرستی و اسراف و کاغذبازی پرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند». (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۶)

در بیان دیگر اقشار مختلف جامعه را به اجتناب از اسراف و تبذیر و تشریفات و تجمل‌گرایی توصیه نموده‌اند «و علمای اعلام و ائمه جماعت و خطبای محترم بر حجم ارشاد و رهنمودهای خود بیافزایند و قشرهای میلیونی مردم را متوجه طرق نگرهبانی از اسلام و احکام مقدسه و حراست از جمهوری اسلامی نمایند، و به توده‌های متعهد میلیونی اسلامی لزوم تشریک مساعی در تمام امور کشوری و لشکری و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را گوشزد نمایند و به آنان توصیه کنند که برای کمک به اقتصاد کشور که امروز از اهم مسایل است، از اسراف، تبذیر و استعمال امور تشریفاتی و تجملی اجتناب نمایند...». (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۸۸) و نیز فرموده است «کسانی که از امکانات و خدمات اجتماعی بیشتری برخوردارند، دین خود را با پرداخت عوارض متناسب ادا نموده و از اسراف بیهوده و غیر ضروری پرهیز نمایند». (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۷۳)

حضرت امام روحانیت را از تشریفات و تجمل‌گرایی و خارج شدن از حد متعارف در امور زندگی منع نموده و خطر بزرگ برای اسلام دانسته است. «مسأله دیگر، مسأله تشریفات حوزه‌های روحانیت است که دارد زیاد می‌شود. وقتی تشریفات زیاد شد، محتوا کنار می‌رود. وقتی ساختمان‌ها و ماشین‌ها و دم و دستگاه‌ها زیاد شود، موجب می‌شود، بنیه فقهی اسلام صدمه ببیند،

یعنی با این بساط نمی‌شود شیخ مرتضی و صاحب جواهر تحویل جامعه داد. این موجب نگرانی است و واقعاً نمی‌دانم با این وضع چه کنم. این تشریفات اسباب آن می‌شود که روحانیت شکست بخورد. زندگی صاحب جواهر را با زندگی روحانیون امروز که بسنجیم، خوب می‌فهمیم که چه ضربه‌ای به دست خودمان به خودمان می‌زنیم» (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۲-۴۳). دیده می‌شود امام خمینی با تکیه بر آموزه‌های دینی، زندگی در حد متعارف را برای همگان به ویژه روحانیت و کارگزاران نظام سفارش می‌کند، و زاید بر آن را مصداق اسراف و تبذیر دانسته مورد نکوهش قرار می‌دهد. جا دارد امروز روحانیت و کارگزاران نظام رهنمودهای ارزشمند و شیوه‌های زندگی ساده و بدون تشریفات آن بزرگوار را مورد توجه قرار دهند و هماهنگ با آن رفتار نمایند.

۳- الگوی مصرف صحیح در متون دینی و کلام امام خمینی

همان‌گونه که اسراف و تبذیر در تمام عرصه‌های زندگی انسان راه می‌یابد، راه‌های علاج و اصلاح الگوی مصرف نیز برای بخش‌های مختلف بیان شده که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌گردد. در قرآن و حدیث الگوی درست مصرف در همه چیز همان رعایت اعتدال و میانه روی است که با قانون آفرینش و تشریح هماهنگ بوده، عقل و عرف نیز آن را تأیید می‌کنند.

در قرآن روشن‌ترین معیار الگوی مصرف در دو مورد بیان شده. یکی آنجا که خداوند درباره عباد الرحمن می‌فرماید که آنها در بذل و بخشش اسراف و سخت‌گیری نمی‌کنند و حد اعتدال را رعایت می‌کنند «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا و کان بین ذلک قواما». (۶۷ فرقان) در این آیه روی اجتناب از زیاده‌روی و تکیه بر اعتدال تأکید شده که این روش اهل ایمان است، بنا بر این کسانی که خود را مومن می‌دانند باید این صفت را داشته باشند و در تمام امور اعم از خوراک، پوشاک، مسکن، ماشین، انفاق به مستمندان، جشن‌ها و مهمانی‌ها میانه رو باشند، که عقل سلیم و عرف میزان آن را تشخیص می‌دهند. در غیر این صورت در ایمان خود تجدید نظر نمایند به ویژه زمامداران و دولت‌مردان که با بیت‌المال و اموال عمومی سر و کار دارند. امروزه بیشترین



دارایی ملتها توسط اسراف و تبذیر دولت‌ها و تشریفات بی‌فایده آنان از بین می‌رود. درحالی که قرآن انفاق به فقرا را در حد اعتدال جایز می‌داند، چه رسد به موارد دیگر که باید در حد اعتدال باشد و از اعتدال تجاوز نشود.

مورد دوم در سوره اسراء بعد از آنکه از تبذیر و ریخت و پاش نهی کرده و مبذرین را برادر شیطان تلقی نموده، می‌فرماید «ولا تجعل یدک مغلوله الی عنقک ولا تبسطها کل البسط فتععد ملوما محسورا». (۲۹ اسراء) از اینکه رعایت اعتدال در همه چیز حتی در انفاق و کمک به دیگران پسندیده است، در این آیه روی اعتدال تأکید شده است که، دست خود را برگردن خویش بسته قرار مده یعنی مانند بخیلان در کمک به دیگران دست بسته مباش و از سوی دیگر دست خود را فوق العاده گشاده مدار و بذل و بخشش بی‌حساب مکن که از کار بمانی و مورد ملامت این و آن قرار گیری و از مردم جدا شوی. منظور از محسود در این جا شخص خسته و وا مانده است که از رسیدن به مقصد عاجز است. (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۹۱) این آیه در مورد انفاق به خویشان، مساکین و در راه ماندگان به اعتدال دستور داده که باید حد اعتدال رعایت شود. وقتی که در انفاق به مستحقین که یک عمل پسندیده است، رعایت اعتدال لازم باشد، در سایر امور زندگی به طور قطع رعایت اعتدال ضروری است. بنا براین الگوی درست مصرف در قرآن میانه‌روی و اعتدال است که انسان مومن باید در همه امور زندگی خود به دقت رعایت نماید و از قید و بند رواج‌های ناپسند و کمرشکن و چشم و هم چشمی‌ها، خود را رها سازد و بر طبق معیار قرآنی زندگی خود را هماهنگ نماید.

در حدیث معصوم (ع) نیز الگوی مصرف معقول به صورت مفصل بیان شده، که به چند نمونه اشاره می‌گردد. امام صادق (ع) در بیان میانه‌روی و اعتدال، مقداری سنگریزه از زمین برداشت و مشت خود را بست و فرمود: این اqtار (سخت‌گیری) ورزیدن است، سپس مشت دیگری برداشت و دست خود را چنان گشود که سنگریزه‌ها به زمین ریخت؛ آنگاه فرمود: این اسراف است. بار سوم مشت دیگری برداشت و دست خود را کمی باز کرد به طوری که مقداری از سنگریزه‌ها ریخت و مقداری در دستش باقی ماند، سپس فرمود: این قوام و اعتدال است (میزان الحکمه، ج ۵).

در روایت دیگر امام صادق(ع) به شخصی فرموده: تقوای الهی پیشه کن و اسراف منما و از بخل و سخت گرفتن پرهیز نما، بلکه حد وسط را همیشه رعایت کن، چرا که تبذیر از مصادق اسراف است و خداوند از تبذیر نهی نموده. (تفسیر صافی)

از امام کاظم(ع) در باره نفقه بر عیال پرسیده شد در جواب فرموده: «ما بین المکروهین: الاسراف والاقتار» در نفقه عیال زیاده روی و سخت گیری نشود بلکه میان دو امر ناپسند (اسراف و سخت گیری) یعنی اعتدال رعایت شود. (میزان الحکمه)

امام علی(ع) به میانه روی در خوردن سفارش نموده و اعتدال را معیار الگوی مصرف قرار داده «علیکم بالقصد فی المطاعم، فانه ابعده من السرف و اصح للبدن و اعون علی العباده» بر شما باد به میانه روی در خوراکها که هم از اسراف بدور است و هم برای سلامتی بدن مناسب تر و هم برای عبادت بهتر. (غررالحکم) در حدیث دیگر به اعتدال سفارش نموده و از اسراف بر حذر داشته «فدع الاسراف مقتصدا و اذکر فی الیوم غذا و امسک من المال بقدر ضرورتک» با اعتدال و میانه روی در مصرف از اسراف پرهیز و امروز بیاد فردا باش و از مال به اندازه ضرورت نگهدار. (نهج البلاغه، نامه ۲۱)

در وصف متقین فرموده است «ملبسهم الاقتصاد» لباس اهل تقوا معتدل است، یا اینکه در تمام امور زندگی اعتدال به منزله لباس آنها بوده در هر کار اعتدال را رعایت می کنند. (نهج البلاغه، خطبه همام)

امام صادق(ع) در مورد ازدواج فرموده «و ینکحوا قصدا» آنچه را خداوند روا داشته این است که مردم با هزینه معتدل ازدواج کنند. (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳) امروزه رسم و رواج های باطل و کمر شکن و اسراف و تبذیرهای بی حد و حصر و خلاف شرع و عقل در مراسم عقد و عروسی، دست و پای جوانان را بسته و ازدواج را به یک مشکل بزرگ تبدیل نموده است. لازم است در این زمینه رهنمودهای نجات بخش دینی و سیره پیشوایان مورد توجه قرار گیرد و مقدراری اصلاحات به عمل آید و جامعه از این وضع بیرون شود، وگرنه این وضعیت در شأن جامعه اسلامی نبوده، عواقب ناگوار دنیوی و اخروی خواهد داشت.





آن حضرت درباره وسیله نقلیه فرموده «...و یرکبوا قصدا... اتری الله ائتمن رجلا علی مال، خول له ان یشتری فرسا بعشره آلاف درهم و یجزیه فرس بعشرین درهما و قال: ولاتسرفوا انه لایحب المسرفین» و نیز خداوند روا داشته است که مردم به صورت مقتصدانه از مرکب استفاده کنند... آیا تصور می کنی که کسی که خداوند او را در مالی که به او داده امین قرار داده است، مجاز دانسته که اسبی به دو هزار درهم بخرد، با اینکه اسب بیست درهمی برای رفع نیاز او کافی است؟... در قرآن کریم می فرماید «اسراف نکنید که خدا اسرافکاران را دوست ندارد.» (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳ و تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۰)

ابوطیفور متطبب از امام هادی (ع) در باب وسیله نقلیه روایت نموده که «سالنی ابوالحسن علی الهادی (ع) ای شیء ترکب؟ قلت: حمارا. فقال: بکم بعته؟ فقلت بثلاثة عشر دینارا، فقال: ان هذا لهُو السرف ان تشتري حمارا بثلاثة دینارا و تدع برذونا» ابوطیفور پزشک می گوید امام هادی (ع)

از من پرسید، پرچه مرکبی سوار می‌شوی؟ گفتم بر الاغ، فرمود: آن را چند خریده- ای؟ گفتم: سیزده دینار. فرمود: این اسراف است که خری را به سیزده دینار بخری و یابوی را ارزان نخری... (سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۱۶). در عصر ما که وسیله نقلیه انواع و اقسام گوناگون دارد، باید به قدر نیاز و حد اعتدال اکتفا شود و طبق دستور امام معصوم (ع) از خریدن ماشین‌های گرانبی‌قیمت که خارج از شأن ما بوده و اسراف به حساب می‌آید، خودداری گردد و به جای آن در جهت رفاه و آسایش محرومان سرمایه‌گذاری شود.

در باب مسکن نیز رعایت اعتدال و اجتناب از اسراف مورد تأکید قرار گرفته است. رسول اعظم (ص) فرموده: «من بنی بیتا ریاء آ و سمعه حمله یوم القیامه الی سبع ارضین، ثم یطوقه ناراً فی عنقه ثم یرمی به فی النار. فقلنا یرسول الله کیف بنی ریاء آ و سمعه؟ قال: بینی فضلاً علی ما یکفیه. و بینی مباحه» هر کس بنای را برای ریا یا برای اینکه به گوش مردم برسد، بسازد او را در قیامت به هفت طبقه زمین می‌برد، پس بصورت گردن‌بندی آتشین برگردن او در می‌آید و آنگاه همراه با آن در آتش فرو افکنده می‌شود. گفتم یرسول الله؛ خانه چگونه به ریا و سمعه ساخته می‌شود؟ فرمود: به اینکه بیش از اندازه کفاف بسازد، یا برای اینکه به آن بی‌الد. (وسائل‌الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۸)

امام صادق (ع) نیز فرموده: «ما بنی فوق ما یسکنه، کلف حمله یوم القیامه». آنچه بیش از نیاز ساخته شود، صاحب آن در قیامت مکلف به حمل آن می‌شود. (همان) در حدیث دیگر فرموده: «کل بناء لیس بکاف فهو وبال علی صاحبه یوم القیامه». هر بنای که بیش از قدر کفاف و بسندگی باشد در روز قیامت وبال و عقوبتی برای صاحب آن خواهد بود. (همان) از این روایات بدست می‌آید که در تهیه مسکن باید حد اعتدال رعایت شود و معیار آن مقدار نیازمندی انسان است که اگر بیش از حد نیاز ساخته شود، اسراف و خلاف شرع است و باعث عقوبت اخروی و پیامدهای ناگوار در دنیا خواهد شد.

در روایات به حسن تدبیر و اندازه‌گیری در معیشت سفارش شده که باید مصرف زندگی حساب و کتاب داشته باشد. پیامبر اسلام (ص) فرموده «حسن التدبیر مع العفاف، خیر من الغنی مع



الاسراف» تدبیر نیکو و زندگی در حد عفاف؛ بهتر است از ثروت همراه با اسراف (کافی، ج ۴، ص ۵۵). امام صادق (ع) فرموده «شکا قوم الی النبی (ص) سرعه نفاذ طعامهم، فقال: تکیلون او تهیلون؟ نهیل یارسول الله (ص) «یعنی الجزاف» قال: کیلوا، فانه اعظم للبرکه» گروهی از اینکه گندم خوراکی شان زود تمام می شود، به پیامبر (ص) شکایت بردند. پیامبر فرمود: (هنگام مصرف) پیمانہ می کنید یا بدون پیمانہ می ریزید: گفتند ای رسول خدا؛ بی پیمانہ می ریزیم، فرمود پیمانہ کنید (اندازه داشته باشید) که این کار بر برکت می افزاید. (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۲۳)

در مصرف آب نیز به اعتدال تأکید شده. آب نعمت گرانبها و منشأ حیات است که خداوند آفرینش همه جنبندگان را از آب می داند «والله خلق کل دابه من ماء» (نور/۴۵). امام صادق (ع) در تعبیر زیبایی فرموده «طعم آب، طعم حیات و زندگی است». (وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۳۴) و نیز از آن حضرت رسول (ص) روایت شده که «وضو، با یک مد و غسل با یک صاع آب انجام گیرد. و به زودی پس از من کسانی خواهند آمد که این مقدار را اندک می شمرند، اینان بر خلاف سنت من هستند». (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۳۸) در روایتی دیگر از آن بزرگوار آمده «خداوند را فرشته ای است که اسراف در وضو را می نویسد، همان گونه که ستمکاری نسبت به آن را می نویسد». (کافی، ج ۳، ص ۲۲) امام صادق (ع) نیز فرموده است: «ان القصد امر یحبہ الله و ان السرف امر یبغضه الله حتی طرحک النواه فانه تصلح لشیء و حتی صبک فضل شرابک» میانه روی چیزی است که خدای بزرگ آن را دوست دارد و اسراف چیزی است که خدای بزرگ را دشمن می دارد، حتی انداختن هسته خرما که آن نیز برای کاری شایسته است و حتی بر زمین ریختن زیادی آب. (کافی، ج ۴، ص ۲۵۷) آب منشأ حیات بوده و ادامه حیات بدون آب امکان پذیر نیست، از این رو باید قدر این نعمت گرانبهای الهی را بدانیم و در مصرف آن از حد اعتدال تجاوز نکنیم و از هدر دادن و آلوده کردن آب به هر شکل خود داری نماییم و نگذاریم این مایه حیات ضایع گردد.

مصرف نان نیز از دید معصومین (ع) مخفی نمانده و راجع به آن سفارش شده است. امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) روایت نموده «اکرموا الخبز، فانه قد عمل فیہ ما بین العرش الی -

الارض، وما فيها من كثير من خلقه» (کافی، ج ۶، ص ۳۰۲) پیامبر فرمودند: ارزش نان را بزرگ بشمرید، که برای فراهم آمدن آن، هرچه میان عرش تا زمین است و بیشتر آفریده‌های روی زمین، کار می‌کنند. بنابراین در مصرف نان باید از اسراف و تبذیر خودداری گردد.

امام سجاد(ع) در دعای سی‌ام صحیفه سجادیه فرموده «اللهم صل علی محمد و آل محمد و احببني عن السرف و الازدياد، و قومي بالبذل و الاقتصاد، و علمني حسن التقدير، و اقبضني بلطفك عن التبذير...» خدایا مرا از اسراف و زیاده‌روی دور ساز و به بخشیدن با میانه‌روی توانم ده و راه خرج کردن درست را به من بیاموز و به لطف خود دست مرا از تبذیر ببند و روزی مرا از راه حلال به من برسان و خرج کردنم را در راه نیکو کاری قرار ده.

نتیجه اینکه در منابع دینی ما دستورات و رهنمودهای جامع درباره الگوی مصرف بیان شده که همان میانه روی و حد متعارف است. اگر این رهنمودها در زندگی به کار گرفته شود، وضعیت جامعه اسلامی در تمام ابعاد اصلاح گردیده و از این حالت بیرون می‌شود. اسلام در هیچ زمینه کم نگذاشته، آنچه هست است کوتاهی و غفلت از خود ما است. امید داریم خداوند ما را از این غفلت بیرون آورد که در مسیر قرآن و عترت گام برداریم.

الگوی مصرف صحیح از دیدگاه امام خمینی

شیوه زندگی امام خمینی با آن عظمت و اقتداری که داشت بهترین الگو برای همه است. آن بزرگوار می‌توانست از بهترین خانه‌ها و غذاها و امکانات بهره‌مند شود و هیچ مانعی برایش وجود نداشت، ولی ایشان با الهام از سیره‌ای پیشوایان معصوم(ع) به حداقل امکانات و لوازم زندگی اکتفا می‌نمود و بزرگ‌ترین کارهای سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی را انجام می‌داد که دیگران شبیه آن کارها را در کاخ‌های مجلل با تشریفات و هزینه‌های سنگین انجام می‌دهند. امام خمینی به دور از اسراف و تبذیر، در حد نیاز اکتفا می‌نمود. علاوه بر سیره عملی، سفارش‌های روشن در زمینه معیار الگوی مصرف دارد که به چند نمونه آن پرداخته می‌شود. اما در مجموع معیار الگوی



□ امام خمینی، روحانیت را از تشریفات و تجمل‌گرایی و خارج شدن از حد متعارف در امور زندگی منع نموده و خطر بزرگ برای اسلام دانسته است

مصرف از نظر امام خمینی همان معیار قرآن و حدیث است که مصرف در حد اعتدال و متعارف باشد که ایشان بیشتر به ساده زیستی تعبیر نموده و خارج از آن را اسراف می‌داند.

ایشان در باب خمس که بحث فقهی است، میانه‌روی را معیار مئونه دانسته که خمس ندارد و اگر بیش از حد متعارف مصرف نماید، مئونه نیست و باید خمس آن را بپردازد «معتبر است در مئونه اقتصار بر مقداری که لایق به حال او باشد نه خرجهای بی‌فایده که از روی سفاهت و اسراف می‌کند، پس هرگاه زیاده از مقدار لایق خرج کند از مئونه محسوب نمی‌شود و باید خمس آن زیاده را بدهد، بلکه احتیاط واجب مراعات اقتصاد و میانه‌روی است در مئونه، نه انتخاب فرد عالی از آن که لایق به حال او نبوده باشد و غیر متعارف از مثل او». (امام خمینی، رساله نجاه العباد، ص ۱۹۷)

در باب وصیت نیز در انفاق کودک توسط وصی، حد متعارف را معیار قرارداده است. «ینفق الوصی علی الصبی من غیر اسراف ولا تقتیر، فیطعمه و یلبسه عاده امثاله و نظرائه فان اسرف ضمن الزیاده». (امام خمینی، وسیله النجاه مع التعالیق، ص ۵۶۹) وصی در نفقه کودک از زیاده روی و سخت‌گیری خودداری نموده در حد متعارف خوراک و پوشاک نماید و اگر اسراف کند، ضامن است. در کتاب مضاربه فرموده اگر عامل در سفر تجارت برود، مخارج متعارف را حق دارد از سرمایه بردارد «اگر سفر برای تجارت با اذن مالک باشد می‌تواند از سرمایه تمام چیزهایی را که در سفر محتاج است بردارد، از قبیل: خوراکی و پوشاکی و مرکب و آلات و ادوات و کرایه سفر و کرایه منزل به حسب شأنش با مراعات اقتصاد، و اگر اسراف کند مقدار اضافه بر عهده خود او است». (رساله نجاه العباد، ص ۲۷۰)

از نظر حضرت امام شأن افراد مورد تاکید قرار گرفته چون شأن افراد فرق می‌کند از این رو

نمی‌توان برای همه میزان واحد در نظر گرفت، بلکه هر کس به حسب شأن خود یعنی مطابق کسانی که در جامعه مثل او و نظیر او هستند مصرف نماید، اسراف نمی‌باشد و مصرف معتدل به حساب می‌آید.

ایشان ساده‌زیستی را به عنوان الگوی مصرف برای همه به ویژه علما و مسئولین نظام بارها مورد تأکید قرار داده و از تجمل‌گرایی و رو آوردن به رفاه بر حذر داشته است. «و آخرین نکته‌ای که در اینجا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسأله ساده‌زیستی و زهد‌گرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیاء را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست...» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۲-۳۴۳)

در بیان دیگر فرموده است «باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند، لذا زی اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید. در گذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگی شان از سطح معمولی مردم پایین تر بود و یا مثل آنها بود. امروز سعی کنید زندگی تان از زی آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یازود مطرود می‌شوید». (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۵۲-۴۵۳) دیده می‌شود حضرت امام زیاده‌روی و خارج شدن از حد متعارف را به عنوان خطر تلقی نموده و مرتب به ساده‌زیستی و اجتناب از تجمل‌گرایی سفارش می‌کند.

۴ - پیامدهای رعایت الگوی مصرف در قرآن و حدیث و کلام امام خمینی

تا اینجا معنا و مفهوم واژه‌های مرتبط با الگوی مصرف، نکوهش اسراف، تبذیر و



سخت‌گیری تبیین و معیار الگوی مصرف که اعتدال و میانه‌روی باشد با ذکر نمونه‌های آن در حوزه‌های گوناگون زندگی از نظر متون دینی و کلام امام خمینی به طور گذرا بررسی شد. در این قسمت به پیامدها و آثار رعایت الگوی مصرف در متون تعالیم دینی و کلام امام خمینی، پرداخته می‌شود.

بهداشت و سلامتی

از آثار ارزنده و مهم رعایت الگوی مصرف و خودداری از اسراف و تبذیر، سلامتی جسمی و روانی است که در نتیجه به طول می‌انجامد. در آیه ۳۱ اعراف دستور مهم بهداشتی داده شده «کلوا و اشربوا و لاتسرفوا» بخورید و بیاشامید و زیاده‌روی نکنید. این دستور در ظاهر ساده به نظر می‌رسد، ولی امروزه ثابت شده که از مهمترین دستورات بهداشتی همین آیه است. پژوهشهای انجام شده این نتیجه را به دست می‌دهد که سرچشمه بسیاری از بیماریها، غذاهای اضافی است که بصورت جذب نشده در بدن انسان باقی می‌ماند، این مواد اضافی هم بار سنگین است برای قلب و سایر دستگاههای بدن، و هم منبع آماده برای انواع عفونت‌ها و بیماریها، از این رو نخستین گام برای درمان بسیاری از بیماریها، این است که این مواد مزاحم که در حقیقت زباله‌دان تن انسان هستند، سوخته شوند و جسم پاکسازی گردد. عامل اصلی تشکیل‌دهنده این مواد مزاحم، اسراف و زیاده‌روی در تغذیه است، و راه جلوگیری از آن جز رعایت اعتدال در تغذیه نیست. بویژه در عصر ما که بیماریهای گوناگون مانند؛ بیماری قند، چربی خون، تصلب شرائین، نارساییهای کبد و انواع سکته‌های قلبی فراوان شده، افراط در تغذیه با توجه به عدم تحرک جسمانی کافی، یکی از عوامل اصلی محسوب می‌شود، و برای از بین بردن اینگونه بیماریها، راهی جز تحرک کافی و میانه‌روی در خوراک نیست. (تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۵۳)

در مجمع‌البیان آورده که هارون رشید طبیب مسیحی ماهری داشت، روزی این طبیب به علی بن حسین بن واقد (دانشمند اسلامی) گفت: من در کتاب اسلامی شما چیزی در باره طب نمی‌یابم، در حالیکه دانش مفیدبر دو گونه است؛ علم ادیان و علم ابدان. او در پاسخش گفت: خداوند همه دستورات طبی را در نصف آیه از کتاب خویش آورده «کلوا و اشربوا و لاتسرفوا» بخورید و

بیشامید و اسراف نکنید. و پیامبر ما نیز طب را در این دستور خویش خلاصه کرده «المعدة بيت كل داء و الحميه راس كل دواء واعط كل بدن ما عودته» معده خانه همه بیماریها است و امساک سرآمد همه داروها، و آنچه بدن را عادت داده‌ای (عاداتهای درست و مناسب) آن را از او دریغ مدار. طیب مسیحی پس از شنیدن این سخن گفت: «ماترك كتابكم و نبیکم لجالینوس طبا» قرآن شما و پیامبر شما برای جالینوس (طیب معروف) طبی باقی نگذاشته است. (مجمع البیان، ج ۹، ص ۸۱)

در این بخش روایات زیادی وجود دارد، از جمله رسول اعظم (ص) از خوردن و آشامیدن بیش از اعتدال نهی فرموده: «لا تمیتوا القلوب بكثره الطعام والشراب فان القلب يموت كالزراع اذا كثر عليه الماء» قلبهای خود را نمی‌رانید به واسطه زیاد خوردن و آشامیدن بدرستی که قلب می‌میرد مانند زراعت زمانی که به بسیاری آب ضایع می‌گردد. (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۶)

امام علی (ع) میانه‌روی در تغذیه را مایه سلامتی بدن دانسته و فرموده است «علیکم بالقصد فی المطاعم، فانه ابعده من السرف و اصح للبدن و اعون علی العباده» بر شما باد به میانه‌روی در خوراکها که هم از اسراف بدور است و هم برای سلامتی بدن مناسب‌تر و هم برای عبادت بهتر. (غرالحکم) در حدیث دیگر تصریح نموده «فان صحه الجسم من قله الطعام و قله الماء» تندرستی در کم خوردن و کم آشامیدن است. (تحف العقول) بنابراین رعایت میانه‌روی در تغذیه، رمز سلامتی جسمی و روحی است. اگر این دستورات ارزنده و ماندگار اسلام در مورد مصرف بویژه خوردن و آشامیدن رعایت گردد، از یک سو سلامتی انسان تأمین می‌گردد و می‌تواند به راحتی برنامه‌های خود را پیش ببرد، از سوی دیگر از ناراحتی‌ها، گرفتاریها و هزینه‌های سنگین دارو و درمان جلوگیری به عمل می‌آید و آثار مثبت اجتماعی دیگر نیز دارد.

۲- شکوفایی معنوی

یکی از پیامدهای مثبت رعایت الگوی مصرف، شکوفایی و تکامل معنوی انسان است. پرخوری و اسراف در نعمت‌های الهی همانگونه که سلامتی جسمی انسان را به خطر می‌اندازد،



زمینه فراگیری دانش، عبادت، تهذیب و خودسازی، عواطف و نوع دوستی را نیز دچار مشکل نموده مانع شکوفای معنوی انسان می‌گردد. در آیات (۱۵۱ و ۱۵۲) شعرا می‌خوانیم «ولاتطیعوا امرالمسرفین - الذین یفسدون فی الارض و لایصلحون» از روش مسرفین پیروی نکنید، مسرفین کسانی‌اند که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح‌گر نیستند. از سوی دیگر در آیات (۲۶ و ۲۷) اسراء مبذرین برادران شیاطین خوانده شده «و آتی ذالقربی حقه و المسکین و ابن السبیل و لا تبذر تبذیرا - ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین و کان الشیطان لربه کفورا». روشن است که مفسدین و شیاطین از اصلاح و خودسازی، عبادت، علم و دانش مفید و ارزشهای معنوی بیگانه بوده و در مسیر جهالت و ضلالت قرار دارند و هیچگاه راه تکامل را نمی‌پیمایند.

طبق روایت رسول اعظم (ص) پرخوری از صفات منافق بوده و عبادت و معنویت از ویژگی مؤمن «ان المؤمن همته فی الصلوه و الصیام و العباده و المنافق همته فی الطعام و الشراب کالبهیمه» انسان مؤمن همتش در نماز و روزه و عبادت است و منافق همتش در خوردن و آشامیدن است مانند چهار پایان (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۹۹). در حدیث دیگر فرموده: «افضلکم منزله عندالله تعالی اطولکم جوعا و تفکرا و ابغضکم الی الله تعالی کل ثوم و آکول و شروب» بلند مرتبه ترین شما نزد خدا کسی است که گرسنگی بیشتر می‌کشد و بیشتر تفکر و اندیشه می‌کند و دشمن ترین شما نزد خدای تعالی کسی است که بسیار خورد و بسیار آشامد و بسیار خوابد. (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۰۰)

حضرت امیر(ع) فرموده «بر شما باد به میانه روی در خوراکیها که هم از اسراف بدور است و هم برای سلامتی بدن مناسب تر و هم برای عبادت بهتر است». (غزالحکم) از مجموع آیات و احادیث به دست می‌آید که رعایت اعتدال در تغذیه برای عبادت، اصلاح نفس، تقرب به خداوند، فراگیری دانش و رشد معنوی نقش سازنده دارد و زیاده روی در خوراک و سایر امور زندگی، انسان را از شکوفای استعدادها و رسیدگی به معنویات باز می‌دارد و جنبه‌های حیوانی و شهوانی را در انسان تقویت می‌کند و مانع تقرب به خداوند می‌گردد.

امام خمینی در این رابطه عنایت خاص داشته زیاده‌روی در مصرف را که خارج از شان افراد

باشد، مایه دور شدن از ارزش‌های معنوی دانسته و مانع رشد و شکوفایی معرفی نموده است» و یکی از امور مهم این است که روحانیون باید ساده زندگی کنند. آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کردند. هرچه بروید سراغ این که یک قدم بردارید برای این که خانه‌تان بهتر باشد، از معنویت‌تان به همین مقدار، از ارزش‌تان به همین مقدار کاسته می‌شود... در کیفیت تحصیل آن علوم هم هرچه بروید سراغ تجملات از علوم‌تان کاسته می‌شود.» (اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی، ص ۱۱۸) در جای دیگر با نگرانی بیشتر تشریفات و تجمل‌گرایی را مانع رشد علمی حوزه‌ها ارزیابی نموده و فرموده است «مسأله دیگر مسأله تشریفات حوزه‌های روحانیت است که دارد زیاد می‌شود. وقتی تشریفات زیاد شد، محتوا کنار می‌رود. وقتی ساختمان‌ها و ماشین‌ها و دم و دستگاه‌ها زیاد شد، موجب می‌شود، بنیه فقهی اسلام صدمه ببیند...». (همان، ص ۱۲۲)

۳- بی‌نیازی از دیگران

یکی دیگر از پیامدهای رعایت الگوی مصرف بی‌نیازی انسان از دیگران است، زیرا در سایه قناعت و میانه روی هیچ‌گاه انسان نیازمند دیگران نمی‌شود. امام صادق (ع) در این رابطه فرموده «ضمنت لمن اقتصد ان لا افتقر» من ضامنم هر کس در خرج کردن میانه روی کند فقیر نشود. (تحف العقول) آن حضرت از پیامبر اکرم (ص) نقل فرموده «من اقتصد فی معیشته رزقه الله و من بذر حرمه الله» پیامبر (ص) فرمود: هر کس در معیشت خود میانه‌روی کند، خدا روزی او را می‌رساند، و هر کس تبذیر کند، محروم می‌سازد. (کافی، ج ۴، ص ۵۴) از امام کاظم (ع) روایت شده که «فمن عقل قنع بما یکفیه و من قنع بما یکفیه استغنی و من لم یقنع بما یکفیه لم یدرک الغنی ابدا» هر کس عاقل باشد به آنچه او را بسنده است قناعت می‌کند و هر کس به آنچه او را بسنده است قناعت کند، بی‌نیاز است و هر کس چنین نباشد هرگز به بی‌نیازی دست نیابد. (تحف العقول)

امام خمینی نیز در این زمینه با دیدی وسیع، اسراف و مصرف‌گرایی را مانع استقلال و



□ امام خمینی: «باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند، لذا زی اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید... اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می شوید»

آزادی دانسته و تأکید نموده که ساده‌زیستی راه نجات از سلطه دیگران است «اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند، خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام پرهیزید. مردان بزرگ که خدمت‌های بزرگ برای ملت‌های خود کرده‌اند اکثر ساده زیست و بی‌علاقه به زخارف دنیا بوده‌اند. آنها که اسیر هواهای پست نفسانی و حیوانی بوده و هستند برای حفظ یا رسیدن به آن تن به هر ذلت و خواری می‌دهند و در مقابل زور و قدرت‌های شیطانی خاضع و نسبت به توده‌های ضعیف، ستمکار و زورگو هستند، ولی وارستگان به خلاف آنانند، چرا که با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزش‌های انسانی - اسلامی را حفظ کرد». (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۷۱) امام خمینی ساده‌زیستی و اجتناب از اشرافیت و مصرف‌گرایی را مایه بی‌نیازی از غرب دانسته می‌فرماید «در هر صورت آنکه من زیاد به نظرم اهمیت دارد، این است که آقایان از غرب نترسید، اینقدر ما را که ترسانده‌اند، در غرب هم خبری نیست نترسید... خودتان، مستقل و عرض بکنم اسلامی و مطالب اسلامی، مجالس اسلامی، آن جور مجالس که آن طاغوت داشت نداشته باشید، آن مهمانی‌های کذا را نکنید، مهمانی اگر کردید ساده باشد، وقتی ساده باشد عرض می‌کنم که مراسم دینی‌اش محفوظ باشد و امثال ذلک جهات سیاسی‌اش». (صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۰۳-۱۰۴)

۴- ذخیره برای آخرت

از پیامدهای مهم و ارزشمند رعایت اعتدال و خودداری از اسراف این است که سبب ذخیره آخرت می‌شود. روشن است کسی که به اندازه نیاز و کفاف مصرف نماید می‌تواند از باقی مانده دارایی خود برای آخرت بفرستد، اما کسی که هر چه دارد بدون اندازه مصرف نماید نمی‌تواند برای امر آخرت خویش چیزی ذخیره سازد. از سوی دیگر اسراف با خودپسندی، تکبر و ریا همراه است و رذایل اخلاقی را در انسان رشد می‌دهد که باعث عقوبت سنگین اخروی می‌شود.

در قرآن اسرافکاران به دشمنان خدا و مفسدین در زمین تعبیر شده و مبذرین برادر شیطان خوانده شده که چنین افرادی به طور قطع از رحمت الهی در آخرت محروم‌اند. در روایات نیز جلوگیری از اسراف مایه نجات اخروی دانسته شده. امام باقر(ع) در این رابطه رهنمود زیبایی دارد «لینفق الرجل بالقصد و بلغه الکفاف و یقدم منه فضلا لاخرته» مرد باید در خرج کردن میانه رو باشد و به اندازه کفاف بسنده کند، و بخشی از مال خود را از پیش برای آخرت بفرستد. (کافی، ج ۴، ص ۵۲) بنابراین رعایت میانه‌روی در مصرف مایه سعادت اخروی انسان می‌گردد.

امام خمینی در این قسمت بیان زیبا دارد و زندگی پرتجمل و مرفه را آفت و خطر برای دنیا و آخرت دانسته و مفهومش این است که ساده‌زیستی و دوری از اسراف و مصرف‌گرایی مایه سعادت اخروی است «و آخرین نکته‌ای که در اینجا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید... عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مساله ساده‌زیستی و زهدگرایی علما و روحانیون متعهد اسلام است که من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دامن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست...» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۲-۳۴۳)



زندگی پویا و رو به رشد

هر کس دوست دارد زندگی موفق و رو به رشد داشته و از لحاظ اقتصادی مشکل نداشته باشد و در اجتماع آبرومندانه زندگی کند. یکی از آثار میانه روی و دوری از اسراف و تبذیر، دست یابی به زندگی مطلوب است که اگر انسان اسراف و تبذیر نکند، در جامعه عقب نخواهد ماند.

در سوره اسراء بعد از آنکه از تبذیر و ریخت و پاش نهی کرده و مبذرین را برادر شیطان خوانده، می‌فرماید «و لا اتجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا». (۲۸ اسراء) در این آیه روی اعتدال تأکید شده که؛ دست خود را برگردن خویش بسته قرار مده یعنی مانند بخیلان در کمک به دیگران دست بسته مباش و از سوی دیگر دست خود را فوق العاده گشاده مدار و بذل و بخشش بی حساب مکن که از کار بمانی و مورد ملامت این و آن قرار گیری و از مردم جدا شوی. منظور از محسود در این جا شخص خسته و وامانده است که از رسیدن به مقصد عاجز مانده و زمین گیر شده است. (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۹۱) بنا بر این کسی که بی حساب و خارج از اعتدال مصرف نماید از ادامه زندگی آبرو مندانه باز می‌ماند و نمی‌تواند رشد و بالندگی داشته باشد.

حضرت علی (ع) فرموده است «قوام العیش حسن التقدير و ملاکه حسن التدبیر» قوام زندگی به آن است که اندازه نگاه داری، و ملاک آن برنامه‌ریزی درست است. (کافی، ج ۴، ص ۵۵) در حدیث دیگر فرموده «الاقتصاد ینمی القلیل؛ الاسراف یفنی الجزیل» میانه‌روی کم را زیاد می‌کند؛ اسراف، فراوان را کم می‌کند. (غررالحکم) در حکمت (۱۴۰) نهج البلاغه فرموده «ما عال امرء و اقتصد» انسانی که میانه‌رو باشد در مانده نشود. دیده می‌شود که رعایت اعتدال با زندگی رو به رشد و آبرومندانه رابطه تنگاتنگ دارد و لازم است در زندگی مورد توجه قرار گیرد.

از نظر امام خمینی خارج شدن از حد متعارف و رو آوردن به رفاه و تجمل نه تنها مایه شکست و عقب ماندگی افراد در زندگی می‌شود بلکه بالاتر از آن به شکست اسلام و مکتب منجر

می شود «یکی قضیه اینکه از آن زی روحانیت که زی طلبگی بوده است، اگر ما خارج بشویم، اگر روحانیون از آن زی که مشایخ ما در طول تاریخ داشته‌اند و ائمه هدی (سلام الله علیهم) داشته‌اند، ما اگر خارج بشویم خوف این است که یک شکستی به روحانیت بخورد و شکست به روحانیت شکست به اسلام است... اگر [چنانچه] ما از زی متعارف روحانیت خارج بشویم و خدای نخواستہ توجه به مادیات بکنیم». (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۲-۱۳) در کلام دیگر ساده زیستی را عامل شکوفایی پیشرفت دانسته و فرموده است «و یکی از امور مهم هم این است که روحانیون باید ساده زندگی کنند، آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کردند». (همان، ج ۱۹، ص ۲۵۱) بنابراین از نظر امام خمینی میانه روی و ساده زیستی در شکوفایی زندگی نقش مهم دارد.

۶- آرامش خاطر و آسایش در زندگی

از پیامدهای دیگری رعایت اعتدال در مصرف نعمت‌های الهی، آرامش و آسایش خاطر در زندگی است. زیاده‌روی در مصرف دو پیامد منفی در ارتباط با آرامش خاطر انسان دارد. از یک سو خواسته‌های مادی انسان پایان ناپذیر است هر قدر بیشتر داشته باشد و بیشتر خرج کند اشیاء نگردیده دنبال تنوع و زیاده طلبی می‌گردد و هیچ‌گاه به نقطه مطلوب نرسیده، به آرامش و آسایش دست نمی‌یابد. از سوی دیگر قناعت نکردن به حد کفاف و زیاده روی در امور زندگی ممکن است انسان را گرفتار فقر و نیازمندی کند که در این صورت نیز آرامش و آسایش از انسان سلب می‌گردد. از این رو تنها راه جلوگیری از اضطراب و نا آرامی درونی قناعت کردن در حد کفاف و دوری از اسراف و تبذیر است.

حضرت امیر(ع) فرموده «من اقتصر علی بلغه الکفاف فقد انتظم الراحة و تبوا خفض الدعاه» هر کس به اندازه کفاف قناعت کند، آرامش خاطر خویش را تامین کرده است، و به زندگی با آسایش دست یافته است. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

امام سجاد(ع) از رسول اکرم(ص) روایت نموده که آن بزرگوار فرموده: «ثلاث منجیات



□ یکی از پیامدهای مثبت رعایت الگوی مصرف، شکوفایی و تکامل معنوی انسان است. پرخوری و اسراف در نعمت‌های الهی همانگونه که سلامتی جسمی انسان را به خطر می‌اندازد، مانع شکوفایی معنوی انسان می‌گردد

□ امام خمینی با دیدی وسیع، اسراف و مصرف‌گرایی را مانع استقلال و آزادی دانسته و تأکید نموده که ساده‌زیستی راه نجات از سلطه دیگران است

فذكر الثالث القصد فی الغنی و الفقر» سه چیز مایه نجات است، و سومی را اینگونه بیان کرد «میانہ روی در حال داشتن و در حال نداشتن». (کافی، ج ۴، ص ۵۲) یعنی انسان میانہ‌رو از گرفتاری‌ها و نا آرامی‌های درونی نجات می‌یابد و همواره در آرامش خاطر به سر می‌برد. بنا براین میانہ‌روی و قناعت در حد نیاز مایه آرامش و آسایش خاطر است، که از نیازهای اساسی انسان به حساب می‌آید. ثروت مندانی که همیشه به این فکرند که چه بخورند و چه بپوشند و چه نوع خانه و ماشین داشته باشند و هیچ‌گاه اشباع نمی‌شوند و پیوسته دنبال چیز جدید می‌گردند، تنها راه نجاتشان از این عطش و ناآرامی، قناعت و میانہ روی است که اسلام به آن دستور داده و عقل نیز آن را تأیید می‌کند.

پیامدهای اجتماعی

رعایت میانہ‌روی در مصرف همانگونه که آثار مثبت فردی فراوان دارد، آثار مهم اجتماعی نیز دربردارد. اگر یک جامعه در امور زندگی اسراف نکند و به قدر نیاز اکتفا نماید، به طور قطع در استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن نقش مستقیم دارد. کشوری که بی‌رویه مصرف نماید

و از حد اعتدال تجاوز نماید دچار فقر گردیده و از لحاظ اقتصادی وابسته به دیگران می‌گردد که این وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی و فرهنگی را نیز در پی دارد. از این رو وظیفه دولت‌های اسلامی است که در قدم اول دستگامهای دولت از اسراف و اجحاف در بیت‌المال خودداری نمایند و به جای مصرف‌های بی‌جا و تشریفات هزینه‌بر، بیت‌المال را صرف توسعه و پیشرفت کشور نمایند، از سوی دیگر مردم را به رعایت اعتدال در مصرف از نعمت‌های الهی وادار سازند و جلو تجمل و رقابت‌های منفی مصرف‌گرایی را در جامعه بگیرند. در این صورت هم استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور حفظ می‌شود و هم زمینه توسعه فراهم می‌گردد.

با کمال تأسف امروزه کشورهای اسلامی در اثر بی‌توجهی به آموزه‌های دینی در گرداب تجمل‌پرستی و مصرف‌گرایی گرفتار آمده‌اند، که سرمایه‌های عظیم ملت‌ها، به جای اینکه در توسعه اجتماعی مصرف شود، در برابر اشیای بی‌ارزش و بی‌خاصیت به جیب دیگران می‌رود و کشورهای اسلامی در فقر و بدبختی به سر می‌برند. درست است که وسایل اساسی و مفید باید تهیه شود و مورد استفاده قرار گیرد، اما این غیر از تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی است.

امام خمینی باروشن‌بینی خاصی که داشت مصرف‌گرایی را با استقلال و اقتدار جامعه مرتبط دانسته و تأکید نموده که رفاه و مصرف‌گرایی با کرامت و استقلال سازگاری ندارد «مردم باید تصمیم خود را بگیرند: یا رفاه و مصرف‌گرایی و یا تحمل سختی و استقلال. و این مسئله ممکن است چند سالی طول بکشد ولی مردم ما یقیناً دومین راه را که استقلال و شرافت و کرامت است، انتخاب خواهند کرد». (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۳۳) خلاصه ایشان راه غلبه بر دشمنان را در ساده‌زیستی و ترک مصرف‌گرایی می‌داند

نتیجه‌گیری

در این نوشتار پس از بررسی جایگاه رعایت الگوی مصرف در متون دینی و اندیشه امام خمینی، به این نتیجه رسیدیم که اسراف، تبذیر و سخت‌گیری در امور زندگی ناپسند و مذموم بوده، معیار درست الگوی مصرف از نگاه آموزه‌های دینی و امام خمینی در تمام عرصه‌های فردی

و اجتماعی مانند: خوراک، پوشاک، مسکن، وسیله نقلیه، ازدواج، مهمانی، انفاق به مستمندان، ادارات دولتی و بیت المال، میانه روی و اجتناب از زیاده روی و ریخت و پاش است؛ که پیامدهای مثبت فراوان فردی و اجتماعی در پی دارد. از جمله آثار مثبت رعایت اعتدال و ساده زیستی که به آنها اشاره گردید، عبارتند از: بهداشت و سلامتی، رشد و تعالی معنوی، بی‌نیازی از دیگران، ذخیره سازی برای آخرت، زندگی پویا و رو به رشد، آرامش خاطر و آسایش در زندگی، استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و پیروزی بر دشمنان خارجی از لحاظ اجتماعی. برای هر کدام از امور یاد شده، نمونه‌هایی از آیات قرآن و احادیث معصوم (ع) و کلام امام خمینی ذکر شد. البته این به معنای حصر پیامدهای رعایت الگوی مصرف در موارد یاد شده نیست، ممکن است در اثر پژوهش وسیع به آثار بیشتری دست یافت. ولی مهم توجه جامعه اسلامی بویژه زمامداران و رهبران دینی و اجتماعی به رعایت الگوی مصرف است، که بارفتار مناسب و برنامه‌ریزی‌های سازنده خود این الگوها را در جامعه نهادینه سازند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، وفاء، لبنان، ۱۴۰۳.
۴. ابو محمدابن شعبه حرانی، تحف العقول، آل علی، قم، ۱۳۸۵، پنجم.
۵. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، نشر صلوات، قم، ۱۳۸۳، اول.
۶. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، مکتبه الفقیه، قم.

۷. تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۶.
۸. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
۹. محمد بن علی فیومی، مصباح المنیر، طبع مصر، ۱۳۴۷ ش.
۱۰. محمد ابن منظور، لسان العرب، دارصادر، بیروت، بی تا.
۱۱. مجدالدین فیروز آبادی، قاموس المحيط، طبع مصر، ۱۳۵۲، سوم.
۱۲. محسن فیض تفسیر صافی، احمد بهشتی، فراهانی، تهران، ۱۳۵۰.
۱۳. محسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.
۱۴. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۳، اول.
۱۵. عبدالواحد آمدی، غررالحکم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول، بی تا.
۱۶. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، علمیه، تهران، ۱۳۸۰.
۱۷. سیدهاشم بحرانی، تفسیر برهان، بنیادبعثت، تهران، ۱۴۱۵، ق، اول.
۱۸. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۸، ق، مشهد.
۱۹. محمد بن حسن عاملی، وسایل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۶، ق، اول.
۲۰. صحیفه سجادیه.
۲۱. فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، فراهانی، تهران، ۱۳۵۰.
۲۲. مجله مهندسی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال سوم، ۲۹ و ۳۰.
۲۳. جامع احادیث شیعه، اسماعیل معزی ملایری، کوثر، قم، ۱۱۳۸۱، اول.
۲۴. راغب اصفهانی، مفردات، طلعه نور، قم، ۱۴۲۸، ق، دوم.
۲۵. روح الله خمینی، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۵، چهارم.
۲۶. _____، رساله نجاه العباد، _____، ۱۳۷۸، اول.
۲۷. _____، تقریرات فلسفه، _____، ۱۳۸۱، اول.
۲۸. _____، وسیله النجاه مع التعالیق، _____، ۱۳۸۰، اول.
۲۹. _____، اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۲، اول.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی